

## با نور بنویس، خشمگین باش و طغیان کن: ۷ نویسنده‌ی زن» عرب که به نماد فمینیسم تبدیل شدند

روشنفکر لبنانی، جبران خلیل جبران، درست می‌گفت که «آنانی که با جوهر می‌نویسند شبیه به آن‌هایی نیستند که با خون دل می‌نویسند.» و نویسندگان فمینیست عرب بهترین مصداق این گفته‌اند. در جوامع مردسالار ما که مملو از قالب‌هایی خشک پیرامون دیواری حائل میان زن و مرد است، زنان عرب به سختی می‌کوشند تا خود را ثابت کنند و به استقلال برسند و بتوانند از واقعیت دردناکشان به جهانی بگریزند که در آن صرفاً بر مبنای زن بودن قضاوت نمی‌شوند. هر چند زنان از تسلیحات فیزیکی لازم برای اعمال قدرت خود بر جامعه بی‌بهره‌اند اما سلاحی از نوع دیگر دارند: قلمی که انقلاب به پا می‌کند و جوامع را تغییر می‌دهد.

### جوهر درد

بهترین نوشته از دل درد و رنج بیرون می‌آید. از عایشه تیمور گرفته تا هدی شعراوی، منا الطحاوی، جمانه حداد و نوال السعداوی، زنان بسیاری درگیر تفکر فمینیستی شده و سعی کرده‌اند با نوشتن درد خود را درمان کنند و رؤیاهای بلندپروازی‌های خود را با دیگران در میان بگذارند. قلم ایشان اسلحه‌ای شده است علیه قانون جنگل و این قلم فریاد از دل برآمده‌ای است در مواجهه با بی‌عدالتی. به مناسبت روز جهانی زن، در ادامه به شاخص‌ترین زنان فمینیست عربی می‌پردازیم که با کار خود مرزها را شکسته و منبع الهام بسیاری از زنان در جوامع ما بوده‌اند.

### عایشه التیمور

عایشه التیمور نماد جنبش فمینیستی و طغیان زنان در زمان عثمانی است. عایشه کنشگر اجتماعی، شاعر و رمان‌نویسی پیشرو در جنبش حقوق زنان در شرق بود. نوشته‌های او دورانی را به ما نشان می‌دهند که زنان از اساسی‌ترین حقوق خود بی‌بهره بودند. مهم‌ترین اثر او «آینه‌ای پیش روی برخی امور» در سال 1892 به چاپ رسید. تنها در چند صفحه، التیمور با بازتفسیر قرآن حقوق زن و مرد را توضیح می‌دهد. این اقدام جسورانه‌ای است که برای اولین بار توسط زنی مسلمان انجام شده است. او همچنین روابط زناشویی میان خانواده‌های مصری را می‌شکافد و سعی می‌کند تا ریشه‌های تنش میان زن و شوهرها را تشخیص دهد. یکی از مهم‌ترین آیات قرآن که عایشه دفاع خود از حقوق زنان را بر آن بنیان می‌نهد این

است: «مردان را بر زنان تسلط و حق نگرهبانی است به واسطه‌ی آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه‌ی آن که مردان از مال خود نفقه می‌دهند.» تیمور می‌گوید که برتری مردان بر زنان ریشه در توانایی ایشان در حفظ و نگهداری ثروت دارد. از این منظر، التیمور آنچه در قرآن نوشته شده است را با واقعیت مقایسه می‌کند. او معاصران مذکر خود را فاقد هرگونه ویژگی مردانه می‌داند، و می‌گوید آنها صرفاً ظاهری مردانه دارند و جهل و سوءتفسیر آیات قرآن چشمشان را کور کرده است. او استدلال می‌کند که این سرپرستی مردان حقی مطلق نیست و در واقع مشروط به آن است که مردان از لحاظ مالی مسئولیت زنان را بر عهده داشته باشند، و در نتیجه اگر مردان در مسئولیت خود سستی کنند سرپرستی به زنان منتقل خواهد شد.

### هدی الشعراوی

هدی الشعراوی در مصر و در قلب نظام حرم‌سرای بی‌دنیای آن که حتی حق تحصیل را از زنان سلب می‌کرد. هر چند هدی در خانه تحصیل کرد اما از این امر دلخور بود که نمی‌تواند مانند برادر خود به مدرسه برود. در 13 سالگی مجبور شد تا با مردی 40 ساله از اقوام خود ازدواج کند اما وی تسلیم سرنوشت نشد. سرکوب زنان مشوقی شد تا او برای اولین بار سخنرانی‌هایی عمومی برای زنان برگزار کند. در سال 1923 این زن عاصی حجاب خود را بیرون از ایستگاه قطاری در قاهره از سر برداشت که این امر زنان بسیار دیگری را نیز به این کار تشویق کرد. او سپس مدرسه‌ای برای دختران و اتحادیه‌ای برای زنان مصری تأسیس کرد. یکی از مهم‌ترین کارهایی که الشعراوی در راستای تلاش برای حقوق مساوی زنان کرد انتشار مجله‌ی فمینیستی **المصريه** به زبان فرانسه در سال 1925 و به عربی در سال 1937 بود.

### لطیفه الزیات

رمان‌نویس مصری، لطیفه الزیات، از طریق آثار ادبی خود توجه خوانندگان را به مشکلات و نگرانی‌های زنان جلب می‌کند. رمان سال 1960 وی به نام **در باز جایزه‌ی ادبی نجیب محفوظ** را در سال 1966 کسب کرد و فیلمی با بازیگری فاتن حمامه و صالح سلیم از روی آن ساخته شد. این رمان برجسته‌ترین اثر او بود که راه را برای دیگر زنان نویسنده باز کرد تا آنها نیز رمان‌های واقع‌گرایانه بنویسند. در این رمان گئیرا الزیات زنان را از حاشیه‌ی اجتماع و سیاست به کانون می‌آورد و آنها را به بازیگران نقش‌های اصلی تبدیل می‌کند. به همین دلیل است که این کتاب یکی از مهم‌ترین آثار فمینیستی به شمار می‌رود و به عنوان یکی از 100 رمان برتر جهان عرب در تمام دوران نیز انتخاب شده است. الزیات سعی می‌کند تا با قهرمان اصلی داستانش، لیلا، معیارهای دوگانه‌ی جامعه و نگاه تحقیرآمیز به زن را عیان سازد. لیلا در جامعه‌ی پدرسالار زندگی می‌کند که حتی وجود او به دلیل زن بودن گناه محسوب می‌شود. پدر خانواده قوانین

ناعدالانهی جامعه را بر وی اعمال می‌کند، نامزدش خود را سرپرست زنان می‌داند که چیزی جز موجوداتی صرفاً تزئینی نیستند، برادرش خود را طرفدار برابری می‌داند در حالی که همچنان زنان را افرادی فرودست می‌پندارد، برادرش خود را طرفدار برابری می‌داند در حالی که همچنان زنان را افرادی فرودست می‌پندارد، و عشق اولش هم وجود زنان را منحصر به جسمشان می‌داند. به‌رغم تمام این موانع و سختی‌ها قهرمان داستان در نهایت به مقابله با بی‌عدالتی‌های پدرسالاری برمی‌خیزد و قسمت طغیانگر شخصیتش بر کمرویی و ملایمتش غلبه می‌کند.

### فاطمه مرنیسی

آیا تصور سیاره‌ای که در آن نقطه‌ی قوت مردان در واقع نوعی ملایمت باشد سخت است؟ سیاره‌ای که در آن مردان بامدادان که ترکشان می‌کنیم زار می‌زنند و شبانگاه با شعری از نزار قبّانی به استقبالمان می‌آیند؟» جامعه‌شناس مراکشی، فاطمه مرنیسی به مسائل زنان و موارد مختلف در جنبش فمینیستی علاقه‌مند بود و این‌ها بخش اعظم نوشته‌هایش را تشکیل می‌دادند. مرنیسی از نظام پدرسالار حاکم بر زندگی زنان و از مسئله‌ی جنسی زنان در جوامع مدرن اسلامی می‌نویسد. یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که به آزادی زنان می‌پردازد **شورش زنان و حافظه‌ی اسلامی** است که در آن مرنیسی اذعان می‌کند که آزادی در اصل امری مادی و غیرروحانی است. در بخش اول کتاب **ورای حجاب: جنسیت همچون مهندسی اجتماعی** که در سال 1975 منتشر شد به بررسی مهندسی روابط اجتماعی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این امر منجر به ساخت خانواده در جامعه‌ی اسلامی شده و اینکه چگونه مردان نقش رهبری را بر عهده گرفته‌اند. این متفکر مراکشی به نقش‌های جنسیتی زنان و مردان می‌پردازد و به این نکته اشاره می‌کند که ترس از زنان و بستن انگ اغواگر بی‌اخلاق به آنها دلیلی جز ترس از جنسیت زنان ندارد. او این پرسش را مطرح می‌کند که «چرا مردان از قدرت جاذبه‌ی زنان می‌ترسند؟ این پیش‌فرض وجود دارد که مرد قادر به ارضای نیازهای جنسی زن نیست و در نتیجه زن باید مردان دیگری برای ارضای خود بیابد و در نتیجه اگر به وی «آزادی داده شود آشوب به پا خواهد شد».

### نوال السعداوی

انقلاب‌ها در خفا رخ نمی‌دهند. انقلاب و نوشتن هیچ‌کدام عملی مخفیانه نیستند. قفل کثو را بشکن، با نور» بنویس، خشمگین باش و طغیان کن، ساکت نباش.» نوال السعداوی که سیمون دوبوار جهان عرب به شمار می‌رود یکی از جسورترین زنان عربی است که درباره‌ی مسائل دیالکتیک زنان می‌نویسد و یکی از برجسته‌ترین فمینیست‌های منطقه است. به‌رغم تمامی تهدیداتی که دریافت کرده، السعداوی همچنان به نظرات خود پیرامون مردانگی و سنت‌های دیرین پایبند بوده است. او از کسانی بود که با ختنه‌ی دختران مبارزه کرد و آن را «محصول نظام پدرسالاری» نامید. در سال 1972 کتاب او با نام **زنان و**

سکس منتشر شد که در آن به حملات گوناگون به بدن زنان از جمله قطع آلت تناسلی پرداخته می‌شود. شایان ذکر است که این کتاب یکی از دلایل عزل وی از مقامش در وزارت بهداشت بود. السعداوی همچنان به علت نظرات جنجالی‌اش درباره‌ی دین، مخالفت با حجاب و تلقی آن به عنوان نوعی برده‌داری نیز شهرت دارد. او می‌پرسد: «چرا زنان باید حجاب داشته باشند و مردان نه، در حالی که هر دو از یک میزان شهوت برخوردارند؟»

### احلام مستغانی

برای نوشتن کافی نیست که از کسی دفترچه و قلم هدیه بگیری بلکه باید کسی تو را تا سر حد نوشتن «بیازارد». احلام مستغانی پرفروش‌ترین نویسنده‌ی عرب است. نویسندگی او با کتاب «خاطرات جسم» شروع می‌شود که کتابی است پیرامون امور سیاسی با ایده‌های جسورانه که واقعیت زنان الجزایری را منعکس می‌کند. مستغانی با کتاب‌های هنجارشکن و ایده‌های جسورانه‌اش شناخته می‌شود که در آن زنانی سرکش به دنبال شکستن محدودیت‌های تحمیلی بر خود هستند

### جمانه حداد

اما آیا نوشتن مرگی پیش از مرگ نیست، یا نوعی خودکشی قبل از خودکشی نیست؟ «جمانه حداد»، روزنامه‌نگار لبنانی تا کنون چند بار به عنوان یکی از 100 زن عرب تأثیرگذار در جهان انتخاب شده است. حداد کنشگر حقوق زنان و مؤسس مجله‌ی پیکر است که به صورت تخصصی به ادبیات جسم و هنرهای مربوط به آن می‌پردازد. مهم‌ترین آثار او عبارت‌اند از: «بازگشت لیلیت»، «مرگ خواهد آمد و چشمان تو را خواهد ربود»، «من شهرزاد را کشتم»، «سوپرمن یک عرب است»، و «دختر خیاطباشی» که به گفته‌ی ناشرش کتابی حماسی درباره‌ی زنانی است که قبل از جنبش فمینیسم به دنیا آمده‌اند و به‌رغم درهم شکستگی، قهرمانانی فمینیست هستند: زنانی که در سفر دردناک ارمنی‌ها در سینه‌های خود شیری برای سیر کردن فرزندان‌شان نداشتند، زنانی که برای نجات دختران‌شان تن به تجاوز دادند، زنانی که با جنگ و گرسنگی و فقر و تحقیر در حلب و غازیان‌تپه و بیت‌المقدس و شام و بیروت گداخته و آزموده شدند.

برگردان: مریم طیبی

از سایت آسو